

رحیمه توخی (۴مارچ ۲۰۰۷)

آغاز بهار ...

آمد بهار، چمن رنگی دیگر گرفته است
این چلچله ها عشق گل از سر گرفته است
پروانه زنده شد زبوی گل در چمن
دشت و دمن رونقی دیگر گرفته است
هر صبح و دم بگوش رسد نغمه ای هزار
باغ و چمن بوی معطر گرفته است
شمیم گل ز هر طرف آید بمشام
بلبل غنچه غنچه گل، در بر گرفته است
پروانه بال زنان نشیند بروی گل
زنبور ز گل، بوسه ای شکر گرفته است
عطرو گل و نشاطی بهار، خرمی هزار
اشجار زگل، تاجی بر سر گرفته است
هنگام عشرت است، گل و سبزه در چمن
ساقی بدست، باده و ساغر گرفته است
آغاز بهار بر دلم اندیشه ای وطن
در آتش اشغال، وطنم در گرفته است

